

پلورالیسم از منظر شهید مطهری



چکیده: پلورالیسم دینی که از مباحث رایج جامعه علمی ماست بدین صورت در زمان شهید مطهری مطرح نبود؛ ولی از کلمات ایشان در باب حقانیت ادیان یا دین واحد یا... می‌توان به پاسخ این ادعا از دیدگاه شهید مطهری نائل شد. این مقاله برای نیل به این هدف به چند بعد پرداخته است:

(الف) تأکید بر حقانیت دین واحد در هر عصر و دین اسلام در عصر حاضر؛ (ب) رد حقانیت همه ادیان در عرض هم؛ هرچند پذیرش حقانیت طولی ادیان درست است؛ (ج) وحدت و مشخص بودن صراط مستقیم؛ (د) لوازم و پیامدهای منفی پلورالیسم، مانند نفی خاتمیت و ناسخیت دین.

بحث پلورالیسم به شکل امروزی آن در زمان استاد مطرح نبوده است؛ ولی ایشان به شیوه‌ای که در مورد حقانیت تمام ادیان ترویج می‌شد، پاسخ داده‌اند که در ضمن چند نکته ارائه می‌گردد:

(الف) تأکید بر وحدت ادیان

پلورالیسم دینی پیش‌فرض خود را تکثر ادیان و تنوع حق قرار می‌دهد. استاد شهید در موارد متعددی تأکید می‌کند که از نظر قرآن تنها یک دین داریم (شوری: 13) و در جای دیگر مؤیدی برای برداشت خود ارائه می‌کند: «قرآن هرگز کلمه «دین» را به صورت جمع (ادیان) نیاورده است و نام آن دین واحد، اسلام است. البته نه اینکه خداوند در تمام دوره‌ها دین خود را با این نام می‌خوانده است؛ بلکه مقصود این است که حقیقت دین دارای ماهیتی است که بهترین معرف آن لفظ «اسلام» است و این است که می‌گوید: «ان الدین عند الله الاسلام» (آل عمران: 19).» سپس استاد به راز اختلاف و تفاوت شرایط می‌پردازد که از کلمات ایشان می‌توان سه دلیل استفاده کرد:

1. مقتضیات زمان، خصوصیات محیط و تکامل بشر: ایشان می‌فرماید: تفاوت شرایط، در یک سلسله مسائل فرعی و شاخه‌ای بود که به سطح تعلیمات انبیا به موازات تکامل بشر القا شده است.
2. تحریف کتب مقدس: وی با طرح آیه 9 سوره حجر (انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون) می‌فرماید: ظهور پیامبر، بیشتر معلول نابودی‌ها و تحریف و تبدیلی‌های کتب و تعلیمات آسمانی بوده است.
3. تفاوت در شکل اجرا: شهید مطهری می‌فرماید: انبیا تماماً دارای یک مکتب و یک تز بوده‌اند. تفاوت تعلیمات انبیا با یکدیگر، یا از نوع تفاوت و تعلیمات کلاس‌های عالی‌تر با کلاس‌های دانی‌تر و یا از نوع تفاوت اجرایی یک اصل در شرایط و اوضاع گوناگون بوده است.

(ب) رد حقانیت تمام ادیان

در کتاب عدل الهی صراحتاً حقانیت همه ادیان و به عبارتی کثرت‌گرایی دینی را زیر سؤال می‌برند و می‌فرمایند: «صحیح است که میان پیامبران خدا اختلاف و نزاعی وجود ندارد و همگی به یک هدف دعوت می‌کنند؛ ولی این سخن به این معنا نیست که در هر زمانی چندین دین حق وجود دارد و طبعاً انسان می‌تواند در هر زمانی، هر دینی را که می‌خواهد، بپذیرد؛ بلکه معنای این سخن این است که باید همه پیامبران را قبول داشته باشد. لازمه ایمان این است که در هر زمانی تسلیم به شریعت همان پیامبر باشد و قهراً در دوره خاتمیت، به آخرین دستورهایی که از جانب خدا به وسیله آخرین پیامبر رسیده است عمل کنیم. بسیاری از مردم ما می‌گویند مهم این است که انسان به خدا ایمان داشته باشد و طبق یکی از برنامه‌های خدایی عمل کند؛ ولی ما این ایده را باطل می‌دانیم. قرآن می‌فرماید: «هر کس غیر از اسلام دینی بجوید، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در جهان دیگر از جمله زیانکاران خواهد بود.» (آل عمران: 85)؛ هرچند مراد از اسلام خصوص دین ما نباشد؛ زیرا دین اسلام همان دین تسلیم است و حقیقت تسلیم در هر زمانی شکلی داشته که در زمان خاتم‌الانبیا در شکل دین خاتم است.»

(ج) صراط مستقیم؛ نه صراط‌های مستقیم

مرحوم مطهری رحمه الله با استمداد از مباحث فلسفی ثابت می‌کنند که از نظر قرآنی، سیر تکاملی جهان و انسان، خط سیری مشخص و واحد و مستقیم است (وان هذا صراطي مستقيماً فاتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبيله؛ انعام: 153). اگر همان‌طور که خود بشر در تکاپوست، خط سیر او نیز دائماً دستخوش تغییر و تبدیل باشد و نهایت مسیر مشخص نباشد و در هر برهه‌ای از زمان بخواهد در یک جاده حرکت کند، بدیهی است که ختم نبوت معقول و متصور نمی‌باشد. این سخن شهید، ایده‌های تطهیر تلون و تنوع حقیقت را که در توجیه صراط‌های مستقیم گفته می‌شود، به شدت متزلزل می‌سازد.

د: نفی پیامدها و لوازم پلورالیسم

با استفاده از کلمات استاد، به رد برخی تالی فاسدهای ایده پلورالیسم به شرح ذیل می‌پردازیم:

1. خاتمیت و جاودانگی: پلورالیسم چون راه‌های سعادت را بی‌شمار می‌داند، ادعای خاتمیت و جاودانگی را از هیچ دینی، حتی اسلام نمی‌پذیرد؛ حال آنکه شهید مطهری از آیه 40 سوره احزاب به عنوان دلیل رسمی بر خاتمیت حضرت محمدصلی الله علیه وآله وسلم یاد می‌کند و در جای دیگر آن را از ضروریات اسلام معرفی می‌کند و در تبیین این اعتقاد می‌نویسد: «در طبیعت پدیده‌ها متغیرند؛ نه قانون‌ها و اسلام قانون است و اسلام آن وقت محکوم به فناست که با قوانین طبیعت ناهماهنگ باشد؛ حال آنکه اسلام احترام و تطابق خود به فطرت را رسماً اعلام نموده است.»

2. ناسخیت اسلام: از آنجا که کثرت‌گرایی دینی همه ادیان را بر حق می‌داند، نمی‌پذیرد دینی ادیان قبل از خود را نسخ کرده باشد. شهید مطهری می‌فرماید: «نسخ در قوانین الهی وجود دارد؛ نه به علت نقض قانون؛ بلکه به لحاظ رعایت مقتضیات زمان.»

3. جامعیت و کمال دین اسلام: پلورالیسم و صراط‌های مستقیم، همه ادیان را از لحاظ حقانیت در یک درجه می‌بیند؛ اما متفکر شهید، اسلام را متمایز از سایر ادیان می‌بیند و می‌فرماید: «اسلام طرحی است کلی و جامع و همه‌جانبه و معتدل، حاوی همه طرح‌های جزئی و کارآمد در همه موارد.»
اشاره

1. آنچه در این نوشتار آمده است، نقد پلورالیسم دینی از موضعی درون‌دینی است؛ حال آنکه نویسنده می‌توانست با جمع‌بندی سخنان شهید مطهری در مباحث معرفت‌شناسی و... به نقد ادله بیرونی پلورالیسم دینی نیز بپردازد و یا لاقلاً اگر متکفل چنین امری نیست، دامنه بحث در ابتدای نوشتار باید تذکر داده شود. به هر حال، آنچه از اندیشه‌های شهید مطهری در نقد پلورالیسم دینی می‌توان شاهد آورد، بسی بیشتر و افزونتر است.

محمد جعفری